

بررسی آثار ابوالفرج اصفهانی از منظر گرایشات مذهبی

دکتر نصراله شاملی، عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان Email: dr_nasrollashameli@yahoo.com

زهرا قاسم نژاد، کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب، Email: z_ghasemi62@yahoo.com

چکیده

قاضی ابو الفرج علی بن الحسین بن محمد بن احمد بن الهیثم- بن عبد الرحمن بن مروان از اعقاب مروان بن محمد ملقب به (حمار) آخرین خلیفه اموی است. وی به سال (۲۸۴ ه. ق ۸۹۷ م) در شهر اصفهان و در عهد خلافت المعتضد ابو العباس احمد بن الموفق (طلحه) بن المتوکل (جعفر) عباسی (۲۴۲- ۲۸۹ ه. ق ۸۵۷- ۹۰۲ م) متولد شد، در همان سال که بحتری شاعر معروف عرب (۲۰۶- ۲۸۴ ه. ق) بدرود زندگی گفت. استادان وی: ابن درید، ابن الانباری، جمحی، اخفش صغیر، نفطویه، طبری، مرزبانی و جعفر بن قدامه و غیره بوده‌اند. از نظر مذهب به تشیع اعتقاد داشت و کتاب او «مقاتل الطالبین» قدیمیترین و معتبرترین کتاب در شرح وقایع کربلاست. مرگ ابو الفرج پس از هفتاد و دو سال زندگی در روز چهاردهم ذیحجه ۳۵۶ ه. ق ۹۶۷ م در بغداد روی داد. وی دارای مؤلفات بسیاری است اما معروفترین آنها و حاصل زحمات پنجاه ساله او کتاب الاغانی است. از دیگر آثار او اخبار الاقیان، الاماء الشواعر، ممالیک الشعراء، آداب الغرباء، الاخبار و النوادر، التعديل و انتصاب و... می باشد.

زیرا ابوالفرج اصفهانی گرایش شیعی و زیدی داشته و این امر از کتاب مقاتل الطالبین او و نیز الاغانی برمی آید. با وصف اینکه کتاب الاغانی وی بیشتر جنبه ادبی و تاریخی دارد، اما به دلیل اشتغال بر پاره ای از مطالب تاریخی درباره وضعیت فرهنگی بغداد و اوضاع خلفای اموی و عباسی و احوال ادیبان و کاتبان و وزیران و اهالی ادب و شعر و عشق و مجون که درست به همین دلیل تصویر واقعی تری از جهان اسلام در دوران آغازین آن ارائه می دهد، از سوی بسیاری از نویسندگان و دانشمندان سنی مذهب مورد بی اعتنایی قرار گرفته است. و کتاب مقاتل الطالبین نیز که شرح حال بزرگان شیعه است.

کلمات کلیدی: ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، مقاتل الطالبین، شیعه.

ابوالفرج اصفهانی

قاضی ابوالفرج علی بن الحسین بن محمد بن احمد بن الهیثم بن عبدالرحمن بن مروان بن عبدالله بن مروان بن محمد بن مروان بن الحکم بن ابی العاص بن امیه بن عبد شمس بن عبد مناف اموی قرشی

ملقب به کاتب مشهور اصفهانی از اعیان مروان بن محمد ملقب به "حمار" آخرین خلیفه اموی بود. خاندان او که به دانش و شرف نامبردار بودند از دیرباز در اصفهان به سر می بردند. ابوالفرج به سال ۲۸۴ هجری قمری در اصفهان متولد شد. وی بعد از تحصیلات مقدماتی در اصفهان که آن زمان مجمع اهل ادب و حدیث بود برای ادامه تحصیل رهسپار بغداد گشت. گفته اند که خانه اش در بغداد کنار دجله میان درب سلیمان و درب دجله مجاور خانه ابوالفتح یزیدی بوده است.

ابوالفرج از خاندانی اهل ادب و موسیقی بود. از پدر او هیچ اطلاعی در دست نیست و جبری که بر اساس روایت اغانی (اصفهانی، ۱۳۹۰، ۸/۲۳۰-۲۲۱) پدر و عمه او را موسیقی‌دان پنداشته، دچار اشتباه شده است (جبری، ۱۹۶۵، ص ۲۲-۲۳)، زیرا آن روایت مربوط به اسحاق موصلی است، نه ابوالفرج شاید علت گمنامی پدر وی، مرگ زودرس او بوده باشد. به هر روی، عمویش حسن و نیز عبدالعزیز عموی پدرش هر دو از مشاهیر بودند. ابن حزم درباره این دو می‌نویسد که از نویسندگان بزرگ سامره بوده تا روزگار متوکل می‌زیسته‌اند (همان). خطیب اضافه می‌کند که حسن از عمر بن شبه و ابوالفرج از حسن روایت می‌کرده است (خطیب، بی تا، ۴۱۷/۷). به راستی نیز ابوالفرج پیوسته از حسن نقل قول کرده، چندانکه نام او را تقریباً در همه شرح‌های شاعران سامره آورده است. وی در مجالس شعر بزرگان نیز شرکت می‌جسته و بعدها ماجراهایی را که در آن محافل نقل می‌شده برای برادرزاده خود حکایت می‌کرده است (اصفهانی، ۱۳۹۰، ۱۰/۶۵).

محمد جد ابوالفرج نیز از ادیبان زمان بود و خود روایت کرده که در مجلس عبیدالله بن سلیمان حاضر می‌شده است. او بعدها با عبیدالله که در ۲۷۹ ق وزیر معتضد شد، دوستی استواری یافت (خلف‌الله، ۱۹۵۳، ۳۶، ۳۷).

شخصیت فرهنگی ابوالفرج، شخصیتی جامع‌الاطراف و بی‌نظیر است. قاضی ابوالمحسن تنوخی درباره او چنین گفته: «او به گونه‌ای، شعر، اغانی، اخبار، آثار، حدیث مسند و نسبت‌ها را حفظ بود که تا آن روزگار مثل آن ندیده بودم. در این علوم تخصص بالایی داشت و نیز علمی مثل: لغت، صرف و نحو، خرافات، سیره، مغازی، علم هجو و طنز، داروشناسی و علمی مانند طب، نجوم و... گذشته از این ابوالفرج را باید یکی از دامپزشکان اولیه جهان اسلام به شمار آورد. حرص و ولع او در درمان حیوانات مثال‌زدنی بود. نمونه‌ای از این شوق را می‌توان در درمان يك سنجاب دید که در اشعار او در الاغانی منعکس شده است» (تنوخی، ۱۳۹۱، ۱۲۵).

ظاهراً ابوالفرج به سبب شیعه بودن در ایران عصر ناصری مورد توجه قرار گرفت و به همین سبب "محمد حسین کاشانی" اقدام به چاپ کتاب "مقاتل الطالبین و اخبارهم" کرد. ترجمه ی فارسی الاغانی، به قلم "محمد حسین مشایخ فریدونی"، در دو اقدام جداگانه صورت گرفت؛ به این معنی که مترجم ابتدا جلد اول آن را در دو مجلد منتشر کرد و سپس چاپ متفاوتی از آن را تحت عنوان برگزیده ی الاغانی (تهران، ۱۳۶۸ ش) ارائه کرد، که آن نیز مبتنی بر چاپ "دارالکتب مصر" (در ۲۴ جلد، ۱۳۹۴ ق / ۱۹۷۴ م) بود. مترجم در مقدمه ی چاپ خود، تذکر داده که این کتاب "حافظ اصطلاحات و واژه های فارسی رایج در زبان عربی" و "اصطلاحات موسیقی فارسی رایج در آن" است. برگزیده ی الاغانی شامل "چهل فصل در تراجم احوال شاعران و موسیقی دانان ایرانی تبار یا شیعی مذهب و یا شاعرانی است که در تاریخ و ادب ایران مشهورند."

مجموعه آثاری که به ابوالفرج نسبت داده‌اند به ۲۸ کتاب بالغ می‌شود که از آنها تنها ۴ کتاب در دست است عمده‌ترین کسانی که فهرست آثار او را آورده اند اینانند: ابن ندیم، ثعالبی. خطیب بغدادی، شیخ طوسی. یاقوت. ابن خلکان وقفطی. کتابهای او را می‌توان برحسب موضوع چنین تقسیم‌بندی کرد:

** درباره سروده‌ها و ترانه‌ها و ترانه‌سرایان و اشعار و اخبار مربوط به آنان: ۱. الاغانی چون این کتاب بزرگ‌ترین اثر در زمینه ادب و موسیقی به‌شمار می‌آید و مزایایی گاه استثنائی دارد در مدخلی جداگانه بررسی می‌شود. ۲. مجرد الاغانی، ابوالفرج خود به این کتاب اشاره کرده است. ۳. الاماء الشواعر. این کتاب در ۱۹۸۳م در بغداد به کوشش یونس احمد سامرائی و نوری حمودی قیسی به چاپ رسیده است. احتمالاً اشعار الاما والممالیک والممالیک الشعراء عناوین تحریف شده همین کتاب است. ۴. کتاب الخمارین والخمارات. ۵. الاخبار والنوادر. ۶. ادب السماع. ۷. اخبار الطفیلین. ۸. مجموع الآثار والاخبار. ۹. کتاب القیان. حاجی خلیفه کتابی از ابوالفرج به نام نزهه الملوك والاعیان فی اخبار القیان والمغنیات الدواحل الحسان یاد کرده که احتمالاً همین کتاب است. ۱۰. دعوه النجار یا دعوه التجار. ۱۱. کتاب الغلمان المغنیین. ۱۲. کتابی درباره نغمه‌ها که خود به آن اشاره کرده. ۱۴. الدیارات. از سده‌های نخست قمری دیرها را بیشتر مراکزی برای تفریح تلقی می‌کرده‌اند. به همین جهت، مؤلفان کتابهای الدیارات، پس از تعیین محل دیر، به ذکر اخبار و اشعاری که در پیرامون آن ساخته شده بود می‌پرداختند. کتاب ابوالفرج اینک در دست نیست و نسخه‌ای که به همین نام در کتابخانه برلین نگهداری

می‌شود ، معلوم نیست که از آن ابوالفراج باشد، اما بی‌گمان یاقوت آن را در دست داشته زیرا بارها در معجم البلدان به آن ارجاع داده است.

***کتابی در ادب اثری کاملاً استثنایی در دست داریم که ادباء الغرباء نام دارد تا ۱۰۰۰ سال پس از مرگ ابوالفرج کسی خبری از محتوای این کتاب جز آن چند روایتی که یاقوت آورده است نداده بود. اما نسخه‌ای از آن در اختیار بدیع‌الزمان فروزانفر بود که برای نشر به صلاح‌الدین منجد سپرد منجد نیز کتاب را در ۱۹۷۲ م در بیروت منتشر کرد این نسخه متعلق به سده ۱۳ ق است، اما اینک نسخه‌ای دیگر از سده ۷ ق در کتابخانه آیت‌الله مرعشی یافت شده است. ابوالفرج در این کتاب با ذکر تاریخ بارها از خود سخن گفته، چنانکه این کتاب یکی از مراجع عمده برای شرح احوال او شده است ، یکی از روایات این کتاب نشان می‌دهد که وی برخلاف همه روایات تا آنکی پس از ۳۶۲ ق زنده بوده و این کتاب را نیز پس از این تاریخ یا در اواخر آن سال نوشته است.

****کتابهایی که درباره اشخاص معین تألیف کرده: ۱. الفرق (یا الوزن) والمعيار في الاوغاد والاحرار، که در معارضه با اللفظ المحيط هارون بن منجم نوشته است. ۲. اخبار جحظه البرمکی. ۳. مناجیب الخصیان درباره دو خواجه جوان متعلق به وزیر مهلبی. تبارنامه‌ها: ۱. جمهره النسب. ۲. نسب بنی عبدشمس ۳. نسب بنی شیبان ۴. نسب المهابه. ۵. نسب بنی تغلب ۶. نسب بنی کلاب.

*****اخبار و روایات مربوط به اعراب: ۱. ايام العرب، که به قول خطیب بغدادی شامل ۲۷۰۰ یوم بوده است ۲. التعديل والانتصاف في مآثر العرب و مطالبها. ابوالفرج خود گوید که این عنوان کتابی است در باب جمهره انساب العرب.

*****کتابهای مذهبی: ۱. مقاتل الطالبیین ۲. تفضیل ذی‌الحجه از این کتاب اطلاعاتی در دست نیست و تنها با توجه به عنوان کتاب می‌توان حدس زد که شامل موضوعات دینی بوده است ۳ و ۴. منازل من القرآن في امير المؤمنين علي و اهل بيته(ع) و کلام فاطمه(ع) في فدك که شیخ طوسی به وی نسبت داده است . پیش از شیخ طوسی کسی به این دو کتب اشاره نکرده و نویسندگان پس از او هم از نقل آنها در فهرست آثار ابوالفرج خودداری کرده‌اند. به نظر می‌آید که این دو اثر را کسان دیگر تألیف کرده باشند و بعدها در اثر خطی که چگونگی آن بر ما پوشیده مانده است به ابوالفراج منسوب گردیده باشد. اما در هر حال این کتابها در دست نویسندگان شیعه وجود داشته زیرا در سده ۷ ق می‌بینیم که ابن طاووس در

کتاب بناء المقالة الفاطمية خود ۳ بار از ما نزل من القرآن ابوالفرج نقل قول کرده است) ابن طاووس، ۴۱۱ق=۲۴۴، ۱۳۶۹) ۵. کتابی به نام تحف الوسائد في اخبار الولايد، که حاجي خليفه به او نسبت داده است.

شیوخ ابوالفرج

تاریخ و حدیث و لغت را وی از امثال مطین بن ایوب، وحسین بن طیب شجاعی، ومحمد بن الحسین الکندي گرفته است. در بغداد نیز از محضر علمایی چون یحیی بن علی المنجم ادیب و ناقد و عالم به غناء و موسیقی و ابو عبدالله یزیدی عالم در نحو و ادب و محمد بن جریر طبری مورخ و مفسر بزرگ قرآن کریم بهره جسته، وی بیشتر اخبار عرب و جنگهای رسول الله را از طبری روایت کرده است.

خطیب بغدادی معروفترین شیوخ او را این افراد دانسته است: محمد بن عبدالله حضرمی مطین، محمد بن جعفر قتات، حسین بن عمر ابن ابی احوص ثقفی، علی بن عباس مقانعی، علی بن اسحاق بن زاطیا، ابوخبیب برتی و محمد بن عباس یزیدی (خطیب بغدادی، بی تا، ۳۹۸/۱۱). ابونعیم، جعفر بن مروان را بر این گروه افزوده است. یاقوت نیز نام کسانی را که از ایشان روایت کرده، اینگونه آورده است: ابن درید، ابوبکر ابن انباری، فضل بن حباب جمحی، علی بن سلیمان اخفش و نفطویه (حموی، ۱۹۳۶، ۹۵/۱۳). اما این فهرستها هیچ یک کامل نیست. به شهادت اغانی و مقاتل وی بسیاری از مشاهیر و دانشمندان زمان را ملاقات کرده و از آنان روایت شنیده است. شاید بتوان این نامها را بر اسامی ذکر شده افزود: طبری، محمدبن خلف بن مرزبان، جعفر بن قدامه، یحیی بن منجم، و از همه مهمتر عمویش حسن و سرانجام شاعر هرزهگو حظه.

شاگردان ابوالفرج:

از شاگردان معروف او می توان به امام دارقطنی، وأبو زکریا یحیی بن مالک أندلسی، وعلی بن دینار، ومحمد بن أحمد مغربی راوی متنبی، وأبو علی حسن بن علی بن محمد تنوخی اشاره کرد.

گرایشات مذهبی در آثار ابوالفرج:

ابوالفرج اصفهانی گرایش شیعی و زیدی داشته و این امر از کتاب "مقاتل الطالبیین" او و نیز "الأغاني" برمی آید. نویسندگان سنی مذهب سلفی مشرب مطالب کتاب "الأغاني" را با تصویر پردازی

قدسی خود از دوران طلایی اسلامی منطبق نمی دانسته اند و به هر حال تمایلات شیعی ابوالفرج موجب شده است که او مورد بی مهری بسیاری قرار گیرد. ابوالفرج خشم نویسنده سنی مذهبی چون ابن جوزی را برمی انگیزد، چنانکه در حق ابوالفرج گوید: "او شیعی بود و چون او بی را اعتماد نشاید. در کتابهایش به چیزهایی تصریح می کند که موجب فسق است. شرب خمر را آسان می گیرد و گاهی نیز روایاتی از این باب درباره خود نقل میکند... هر کس در آغای او بنگرد، همه گونه زشتی می یابد (ابن جوزی، ۱۲۸۷ق، ۱۵۸)." این بی مهری البته شامل بسیاری از ادیبان و شاعران و اهالی فرهنگ که دارای نوعی عقاید روشنفکرانه و تسامح باورانه و دوری از تعصبات خشک مذهبی بوده اند، می شده و در حالی که بیشتر شاعران و ادیبان دوران شکوه تمدن اسلامی بغداد، یا با تهمت زندقه روبرو بوده و یا با انواع و اقسام اتهامات مورد انتقاد قرار می گرفته اند و دست کم آنان را به رفض و تشیع متهم می کرده اند.

تأثیر محدثان این شهر به خصوص علویان را که بیشتر در کوفه گرد آمده بودند، می توان آشکارا در آثار او بازیافت. از طرفی نیز می دانیم ابوالفرج از طریق مادر به خاندان بزرگ شیعی ابن ثوابه میرسد. (موسوی، بی تا، ج ۶ ص ۲۳) و شاید بتوان تأثیر عقاید شیعی مادر را علتی بر گرایش ابوالفرج به آیین شیعی و سپس نگارش چنین کتابی دانست همانگونه که بسیاری با این نظر موافق بوده، ابوالفرج را شیعی میدانند: ابن شاکر در "عیون التواریخ" گوید: «ابوالفرج شیعی بود و تشیع خویش را آشکار می نمود» گرایش ابوالفرج به مذهب تشیع حتی تعجب بسیاری را برانگیخته است: ابن اثیر در کتاب "الکامل" گوید: «ابوالفرج شیعی بود و این موجب تعجب است». (ابن اثیر، ۲۵۸، ۱۹۸۹) ذهبی گوید: «شگفت است، باین که ابوالفرج از بنی امیه است، مذهب تشیع دارد» (ذهبی، بی تا، ۳۰۴) قاضی تنوخی بر تشیع او تصریح کرده است. ابوالفرج، با این که از تبار امویان بود، مانند بسیاری از آزاد فکران عصر خویش به مذهب تشیع اعتقاد داشت. در کتابهای خود، شعارهای شیعه را آشکار می کرد. (تنوخی، ۵۸، ۱۳۹۱). به هر حال اگرچه عده ای او را شیعه نمی دانند اما وی به نفع شیعه کتاب زیاد نوشته است.

نکته جالبی که در مطالعه اثر گرانبهای او "الاغانی" دیده می شود این است که وی در گفته های خود شیوه ای علمی را بکار برده و اصراری بر درست بودن نظرش ندارد بعنوان مثال وی در بیشتر موارد از کلمه "اظن" استفاده میکند، یعنی شاید این صحیح باشد (اصفهانی، ۱۳۹۰، ۱۷۵/۱۰) این گونه شیوه سخن گفتن حکایت از روشنفکری او دارد و شاید بتوان گفت: اگر مذهب او شیعه نبوده اما او باورهای مذهب شیعه را قبول و به آنها احترام می گذاشته، آیا مگر می شود انسان باورها و عقاید کسی را نپذیرد اما کتابی مانند مقاتل الطالبین را نوشته که در جای جای آن به آن باورها و عقاید احترام گذاشته است.

کتاب اغانی

"اغانی" در لغت به معنای نغمه ها و ترانه ها و سروده ها و اصطلاحاً به کتابهایی اطلاق شده که حاوی اشعار و سخنان موزون یا متن ترانه ها و سروده های زبان عربی به همراه بیان وزن، آهنگ، سبک و سیاق آنها باشد.

در میان نسخه های بسیار زیادی که از کتاب الاغانی و هر کدام به صورت ناقص به دست رسیده، نسخه ناقص با کتابت محمد بن ابی طالب البدری از اهمیت زیادی از لحاظ ادبی و نسخه شناختی برخوردار است. اولاً اینکه این نسخه از اصح نسخه های کتاب است و ثانیاً نسخه ای است که نه و کتابت آن در میان سالهای ۶۱۴ و ۶۱۶ ق و بدیع احتمالاً در موصل بوده است و کاتب، آنرا ظاهراً برای حاکم مشهور موصل امیر بدر الدین لؤلؤ در ۲۰ مجلد کتابت کرده است که متأسفانه تنها پاره ای از مجلدات آن

هم اینک در شماری از کتابخانه های دنیا و به صورت پراکنده باقی مانده است. امیل بدیع یعقوب می گوید: کتاب اغانی از مشهورترین کتب ادب عربی تاکنون است (یعقوب، ۱۳۸۵، ج ۲۶، ۱).

کتاب "الأغاني" وی بیشتر جنبه ادبی و تاریخی دارد، اما به دلیل اشتغال بر پاره ای از مطالب تاریخی درباره وضعیت فرهنگی بغداد و اوضاع خلفای اموی و عباسی و احوال ادیبان و کاتبان و وزیران و اهالی ادب و شعر و عشق و مجون که درست به همین دلیل تصویر واقعی تری از جهان اسلام در دوران آغازین آن ارائه می دهد، از سوی بسیاری از نویسندگان و دانشمندان سنی مذهب مورد بی اعتنایی قرار گرفته است. می دانیم که این کتاب تا چه اندازه مورد تجلیل صاحب بن عباد، وزیر دانشمند و شیعی مذهب آل بویه قرار گرفت حتی می دانیم که سیف الدولة شیعی مذهب، کسی بود که ابوالفرج نسخه اصل "مببیه" خود را به او اهداء کرد و سیف الدولة هم به او هزار دینار جایزه داد (صدفی، ۱۹۴۹-۲۰۰۵م، ۲۲/۲۱) که البته همین هم خود مورد انتقاد صاحب بن عباد قرار گرفت، چرا که ارزش کتاب را اضعاف آن می دانست.

این کتاب از منابع مهم برای تاریخ تطور و تحول شعر و موسیقی در زبان عربی و همچنین سند اصالت موسیقی ایرانی در فرهنگ عربی است و چون موضوعات کتاب بسیار وسیع و گسترده است، لذا بحث هائی از قبیل اوضاع اجتماعی، فرهنگی و زندگی درباری و مردم عادی و شهری و صحرائی، آداب و خلیقات و عادات عرب، در لابلای کتاب آمده است.

اما تحقیق در باب محتوای الاغانی آراء و عقاید متفاوتی به همراه داشته است: "زکی مبارک" ، در النثر الفنی فی القرون الرابع (زکی مبارک، ۱۹۳۴ م، ۲۱۱) ، اعتبار تاریخی آن را نفی کرد. "فؤاد سزگین"، در محاضرات فی تاریخ العلوم العربیه و اسلامیه (سزگین، ۱۴۰۳ م ۱۱۲) ، ابوالفرج را حافظ کتاب های گمشده بسیار دانست؛ "ولید اعظمی"، در السیف الیمانی فی نحر الاصفهانی (اعظمی ، ۱۹۸۸ م، ۲۴۱) موضوع خصمانه ای در برابر نویسنده و کتابش اختیار کرد. ولی در قرن نوزدهم میلادی، آرمان کوسن دو پرسووال ، در تتبع در باب تاریخ اعراب قبل از اسلام، یولیوس ولهاوزن، در بقایای الحاد نزد اعراب (یولیوس ، ۱۸۸۷ م، ۱۴۹) و ارنست رنان، در تاریخ قوم اسرائیل (رنان، ۱۸۸۷ م، ۷۶) ، از آن برای آراء و عقاید خود استفاده های عالمانه ای کردند.

گرایشات مذهبی ابوالفرج در کتاب "اغانی":

۱. کتاب مورد تجلیل "صاحب بن عباد" وزیر دانشمند و شیعی مذهب آل بویه قرار گرفته است. مطمئنا اگر این کتاب با عقاید شیعه مخالف بود صاحب بن عباد از آن تجلیل نمی کرد.
۲. ابوالفرج نسخه اصل "مببیه" را به سیف الدولة که شیعه بود اهداء کرد و از وی جایزه گرفت.
۳. در کتاب "الاغانی" همه جا نام امامان شیعه را با سلام و صلوات ذکر می کند .
۴. از ذکر مثالب نیاکان خود بنی امیه خودداری نمی کند.
۵. در این کتاب که به دستور هارون الرشید به گردآوری صد ترانه از بهترین آوازه های عربی که ابراهیم موصلی و دیگر مغنیان آن عصر اجرا کرده بودند، پرداخت. اما وی فقط به این موضوع اکتفا نکرده و زندگی و شعر بسیاری از شاعران دیگر را نیز مورد نقد و بررسی قرار داده است از جمله چند تن از شاعران شیعه را نیز با اشعار آنها ذکر کرده است.
۶. ذکر برخی حکایات که در کتاب ذکر شده دلیلی بر اعتقاد ابوالفرج به مذهب تشیع است مانند این حکایت ابوالفرج اصفهانی مناظره ای بین یک شیعه و یک مرجعه نقل می کند:

بحث بر سر همان مسایل فوق بود، مرجعه دائماً می‌گفت دین این نیست، و هرچه شیعی بحث می‌کرد و حجت می‌آورد، او قانع نمی‌شد. مسلمانان مغنی یعنی گنهکار آن زمان را دیدند که تصمیم گرفتند وی را حاکم قرار دهند. هر دو نفر حرفهایشان را بیان کردند و این موسیقیدان گنهکار که منصف بود گفت: اعلای شیعی و اسفلایی مرجعه. یعنی بالا تنه‌ی من شیعه است و پایین تنه مرجعی. عظم شیعه است و شهواتم طرفدار مرجعه است (امین مصری، ۱۲۸۷ق، ۳۵۴).

۷. عدم اهتمام خلفای عباسی به شعائر اسلامی در این کتاب به چشم می‌خورد.
۸. شیعه بودن بسیاری از هنرمندان عصر اموی و عباسی در اغانی ذکر شده است.
۹. الاغانی از جمله مصادر نهج البلاغه است. خطبه جهادیه لاقبل پنجاه سال قبل از تدوین نهج البلاغه در این کتاب مذکور است.

مقاتل الطالبین

این کتاب از کتب مقتل نگاری است که مولف در حوزه تاریخ به بیان شرح تاریخ زندگی و مرگ و مقاتل آل ابی طالب از زمان پیامبر تا سال ۳۱۳ هجری می‌پردازد. مقاتل در این کتاب در مورد ۲۱۶ نفر از فرزندان ابو طالب است و مولف تنها نام کسانی را آورده است که مرگشان دلیل سیاسی داشته یا به روایت جنبشهایی پرداخته که انگیزه آنها خصایل ارجمندی چون تقوا و عدل بوده نه هوی و هوس.

در مورد نام اصلی کتاب "مقاتل الطالبین" اختلاف است در کتاب "الفهرست" در ذیل توضیح نام ابوالفرج آمده است: «ابو الفرج الاصفهانی-زیدی المذهب له کتاب الاغانی کبیر و کتاب مقاتل الطالبیین و...» (طوسی، ۱۴۲۲-۱۳۸۱، ص ۲۸۰).

آقا بزرگ تهرانی نیز در کتاب "الذریعه" به کتاب "مقاتل الطالبین" اشاره کرده است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۵۵، ج ۶ ص ۱۲۲). ابو الفرج خود هیچ نامی را برای این کتاب ذکر نکرده و تنها در خطبه کتاب نوشته است: «و نحن ذاکرون فی کتابنا هذا ان شاء الله... و اید منه بعون و ارشاد جملا من اخبار من قتل من ولد ابی طالب منذ عهد رسول الله... (ص) الی الوقت الذی ابتادنا فیه هذا الکتاب...» (اصفهانی، ۲۳، ۱۳۴۹). و محقق کتاب آقایی احمد صقر نیز اینگونه بیان میدارد: «...فاذا ما بلغها او جاوزها بعام او ببعض عام الف کتابه الخالد مقاتل الطالبیین» و در جای دیگر مینویسد: «جاء ابوالفرج الاصفهانی المتوفی سنه ۳۵۶ هجری فالف مقاتل الطالبیین او مقاتل آل ابی طالب کما یسمیه ابن الندیم» (ابن ندیم، ۱۴۴۴، ۴۸، و حموی، ۱۴۸، ۱۹۳۶).

مقاتل الطالبیین که آن را در ۳۱۳ ق تألیف کرده (یعنی پیش از ۳۰ سالگی)، غالباً از قول محدثان و راویان شیعی کوفه روایت شده است. اما در مورد نام اشخاص که در کتاب مقاتل ذکر شده است باید دقت کرد که، نامها به ترتیب تاریخ وفات آمده است و در تقدیم و تاخر، شخصیت و فضل ملاک نبوده است.

ابوالفرج درباره کتاب و شیوه گزارشی خود می‌نویسد: «ما در این کتاب به خواست خدای متعال قسمتی از احوال آن دسته از فرزندان ابوطالب را بیان می‌داریم که از زمان رسول خدا (ص) تا به امروز، که ما به تدوین این کتاب دست زده ایم، یعنی ماه جمادی الاولی سیزده و سیزده هجری به قتل رسیده اند چه آنان که به وسیله زهر مسموم گشته و چه آنانی که از ترس سلطان وقت، از وطن آواره

گشته و در همان آوارگی از دنیا رفته اند و یا اگر گرفتار چنگال دشمنان شده و به زندان افتاده اند و در همان زندان بدرود زندگی گفته اند... ما در این کتاب حداکثر اختصار را مراعات کردیم و تا آنجا که مقدور بود از اطاله سخن و تکرار مطالب خودداری نمودیم (اصفهانی، ۱۳۴۹، مقدمه مقاتل الطالبین). کتاب مقاتل الطالبین ابوالفرج مسند است، یعنی سند دارد و به سهولت سندش قابل بررسی است.

مؤلف نخست از شهادت جعفر بن ابیطالب در زمان پیامبر (ص) سخن گفته، و به شهدای کربلا که رسیده، طبعاً چون بنایش بر نوشتن شهادت و کشته شدن علویان و فاطمیان بوده، شهدای غیر هاشمی را یا نپرداخته یا از موضوع کتاب خارج بوده. بنابراین، شهادت حضرت ابوالفضل، شهادت حضرت قاسم، شهادت حضرت علی اکبر، شهادت امام حسین و تمامی بنی هاشم را آورده در مورد ائمه شیعه به ذکر نحوه شهادت امام علی (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع) پرداخته تا امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) و باقی را نیز ذکر نکرده است. سپس اخبار هر یک از علویان را زیر نام خلیفه‌ای که در آن زمان حکم می‌رانده آورده است.

گرایش‌های مذهبی ابوالفرج در کتاب مقاتل الطالبین:

۱. مؤلف تنها به بررسی شهادت علویان و فاطمیان می‌پردازد همانگونه که خود در مقدمه کتاب ذکر می‌کند: «ما در این کتاب به خواست خدای متعال قسمتی از احوال آن دسته از فرزندان ابوطالب را بیان می‌داریم که از زمان رسول خدا (ص) تا به امروز، که ما به تدوین این کتاب دست زده ایم، یعنی ماه جمادی الاولی سیزده و سیزده هجری به قتل رسیده اند چه آنان که به وسیله زهر مسموم گشته و چه آنانی که از ترس سلطان وقت، از وطن آواره گشته و در همان آوارگی از دنیا رفته اند و یا اگر گرفتار چنگال دشمنان شده و به زندان افتاده اند و در همان زندان بدرود زندگی گفته اند...». این مطلب نشان می‌دهد که حداقل حب فرزندان ابوطالب در دل مؤلف بوده که سبب نگارش چنین کتابی شده است.
۲. غالباً از قول محدثان و راویان شیعی کوفه روایت شده است.
۳. نامها به ترتیب تاریخ وفات آمده است و در تقدیم و تاخر، شخصیت و فضل ملاک نبوده است. برخی می‌گویند: ابوالفرج زیدیان را در کتاب بیش از علویان مورد توجه قرار داده است اگر اینگونه بود حداقل باید در این کتاب نام زیدیان را اول ذکر می‌کرد.
۴. در این کتاب ابوالفرج معیار جالب توجهی برای تعریف واژه شهید ارائه کرده است. در نظر او شهید، فراتر از کشته شده در جنگ است، چرا آنکه در حالت صلح نیز مسموم شده شهید است. یا آنکه در زندان به حیلت یا به فرتوتی و بیماری کشته شده و نیز آنکه در اثنا فرار از دست سلطان هلاک شده است. تمام این امور همانگونه که ابوالفرج در مقدمه کتاب بیان کرده، از مصادیق مفهوم شهید به شمار می‌رود.
۵. ابوالفرج تصویر شگفت‌انگیزی را از رشادت‌ها و جنگ‌آوری‌های آل بوطالب ارائه کرده و در ضمن همدردی و احساس احترام شدید خود را نثار ایشان کرده است.
۶. در شهادت آل هاشم جز مجد و بزرگواری و اصرار بر باور صالح چیزی دیگری را دخیل نمی‌داند. ایشان را بر سبیل حق می‌داند و امویان را با آنکه خود به ایشان منتسب است و به این انتساب نیز معترف است بر باطل. اولین شهید آل بوطالب، جعفر بن ابوطالب و آخرین ایشان به نقل ابوالفرج، عبدالرحمان بن محمد است که بنی سلیم او را در جنگل کشتند.

نتیجه:

علی بن حسین بن محمد معروف به اصفهانی. وی که از نوادگان مروان بن حکم یا هشام بن عبدالملک است در سال ۲۸۴ هجری به گفته اکثر مورخان در اصفهان متولد شد. ابوالفرج شیعی مذهب بود و یا به عبارتی زیدی، همین امر شگفتی بسیاری از نویسندگان را برانگیخته است. زیرا چگونه ممکن است مردی مروانی به آیین تشیع بگراید؟ بنظر می رسد با توجه به دو کتاب "اغانی" و "مقاتل الطالبین" او باید گرایش مذهبی به شیعه و عقاید این مذهب داشته باشد. ابوالفرج به امامان شیعه و فرزندان ایشان احترام می گذارد. در این مقاله با توجه به دو کتاب ارزشمند "اغانی" و "مقاتل الطالبین" نکاتی استخراج شده که دلیلی بر شیعه بودن ابوالفرج دارد.

منابع و ماخذ:

۱. ابن الاثیر، عزالدین ابوالحسن، (۱۹۸۹)، *الکامل فی التاریخ*، تصحیح علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. ابن جوزی، یوسف بن قزواغلی، (۱۲۸۷ ق)، *تذکره خواص الامه فی معرفه الانمه*، طهران: رضادامغانی.
۳. ابن شاکر، محمد بن شاکر، (۱۹۵۱)، *قوات الوفیات*، قاهره: مطبعه السعاده.

٤. ابن طاووس، احمد بن موسى، (١٤١١ق. = ١٣٦٩)، *بناء المقالة الفاطمية*، قم: موسسه آل البيت (ع)، الاحياء التراث
٥. ابن نديم، محمد بن اسحاق، (١٤٤٤)، *الفهرست*، ترجمه م. رضا تجدد ابن علي بن زين العابدين مازندراني، تهران: ابن سينا.
٦. اصفهاني، ابوالفرج، (١٣٤٩ش)، *مقاتل الطالبين*، ترجمه هاشم رسولي محلاتي، مقدمه و تصحيح علي اكبر غفاري، تهران: نشر صدوق.
٧. اصفهاني، ابوالفرج، (١٣٩٠هـ)، *كتاب الأغاني*، تحقيق محمد أبو الفضل إبراهيم وديكران - قاهره: الهيئة المصرية العامة للتأليف والنشر.
٨. اعظمي، وليد، (١٩٨٨م)، *در السيف اليماني في نحر الاصفهاني*، قاهره .
٩. اقا بزرگ تهراني، محمد محسن، (١٤٥٥)، *النريعه*، تهران: اسلاميه.
١٠. امين مصرى، احمد، (١٤٥١-١٤٥٥)، *ضحى الاسلام*، بيروت: دار الكتاب العربى.
١١. تنوخى، محسن بن علي، (١٣٩١ق)، *الفرج بعد الشده*، بيروت: نشوار المحاضره.
١٢. جبرى، شفيق، (١٩٦٥)، *ابوالفرج اصفهاني*، قاهره: دار المعارف.
١٣. حموى، ياقوت، (١٩٣٦)، *معجم الأدباء*، قاهره: دار المأمون.
١٤. خطيب بغدادى، احمد ابن علي، (بى تا)، *تاريخ بغداد و مدينه السلام*، بيروت: دار الكتاب العربى.
١٥. خلف الله، محمد، (١٩٥٣)، *صاحب الأغاني أبو الفرج الأصفهاني في الرواية*، مصر: مكتبة نهضة.
١٦. ذهبى، محمد، (بى تا)، *سير اعلام النبلاء*، قاهره: المحفوظات العربيه؛ دار المعارف بمصر
١٧. زكى مبارك، محمد، (١٩٣٤)، *النثر الفنى في القرون الرابع*، بيروت
١٨. سزگين، فؤاد، (١٤٠٣)، *تاريخ التراث العربى*، قم: المرعشى النجفى.
١٩. صفدي، خليل بن ايبك، (١٩٤٩-٢٠٠٥م)، *الوافي بالوفيات*، بيروت: النشرات الاسلاميه
٢٠. طوسى، محمد بن حسن، (١٤٢٢ق. = ١٣٨١)، *الفهرست*، تهران: نشر الفقاهه.
٢١. موسوى، كاظم، (بى تا)، *دائره المعارف الاسلاميه الكبرى*، تهران: مركز دائره المعارف الاسلاميه الكبرى،
٢٢. رنان، وارنست، (١٨٨٧ م) *تاريخ قوم اسرائيل*، باريس.
٢٣. يوليوس، ولهاوزن، (١٨٨٧) *بقاياي الحاد نزد اعراب*، برلين.
٢٤. يعقوب، اميل بديع، (١٣٨٥)، *منهج ابوالفرج الاصبهاني فى الاغانى*، همايش اصفهان.

